

مختصری در مورد مفهوم Collaborative Planning:

بحث شیرین و جالبی وجود دارد بنام Collaborative Planning سعی میکنم مختصری راجع به این عنوان بنویسم. برای رایج شدن این سیستم و تکنولوژی الزاماتی نیاز هست که بایستی فراهم گردد. ابتدا عبارتی که در ویکی پیدا آمده را می آورم:

Collaborative Planning, Forecasting, and Replenishment (CPFR) is a concept that aims to enhance supply chain integration by supporting and assisting joint practices

شاید برای روشن شدن موضوع ارائه یک مثال بهتر باشد:

فرض کنیم شرکت خودرو سازی A از مشتری خود خانم یا آقای O سفارشی برای تولید اتومبیل X گرفته است. برخی قطعات را بایستی خود تولید کند و برخی را باید به تامین کننده B سفارش دهد. همین سفارش دادن به B ممکن است برای B نیز همین وضعیت را پیش آورد. یعنی بخش را بایستی خود بسازد و برخی را سفارش دهد. شرکت A خود برای تولید قطعاتش مواد اولیه ای را میخرد. این مواد اولیه نیز ممکن است مواد خام باشد و یا موادی که یک کارخانه دیگر بر روی آن کار کرده باشد. اگر همین رویه را ادامه داده سراغ شرکت B برویم او نیز با یکسری تامین کننده تا و تولید کننده ها ممکن است در ترنباط بوده و خود نیز تولیداتی را برای شرکت A داشته باشد. به این ترتیب می بینید زنجیره ای از تولید کنندگان و فروشندگان پیش می آید که برای تحویل بموقع اتومبیل X به مشتری بایستی فعالیت کنند. برخی مواقع این زنجیره چنان گسترده است که هزاران تولید کننده و تامین کننده را درگیر می کند. بجز مسئله تولید مسائل حمل و سایر الزامات تحویل یک کالا به مشتری را نیز در نظر بگیرید. اگر مشتری O سفارش خود را تغییر ندهد و هیچ چیزی تغییر نکند این زنجیره مشکلی نخواهد داشت و طبق برنامه می تواند عمل کند.

چند مسئله اینجا وجود دارد:

- 1- هر یک از اعضای این زنجیره مطمئنا فقط در ارتباط با تولید برای شرکت A فعالیت نمیکنند لذا بایستی زمان بندی کنند که در لحظه ای که نیاز هست نسبت به تولید و تامین قطعه مورد نیاز اقدام کنند. اگر دیر اقدام کنند تاخیر خواهند داشت و نهایتا باعث خلل در این زنجیره و هزینه دیر کرد هم برای زنجیره میتواند سرسام آور باشد. و اگر زود تر از موعد تولید کنند که بحث خواب سرمایه و هزینه های انبار داری مطرح میشود

مختصری در مورد مفهوم Collaborative Planning

- 2- رضایت مشتری و طبیعتاً تحویل بموقع محصول در خواستی یکی از پارامترهای مهم در این زنجیره است
- 3- طرف دیگر کاهش هزینه ها و طبیعتاً یکی از عوامل تاثیر گذار در آن یعنی کاهش سطح موجودی انبار و جلوگیری از ماندگاری قطعه یا محصول در انبار نیز یکی دیگر از پارامترهاست
- 4- همین دو عامل فوق چنان ناحیه کم عرضی برای زمان بندی تولید را بوجود می آورد که نقش برنامه ریزی یک نقش کلیدی در این موسسات میشود
- 5- اگر هر تولید کننده ای بتواند برای تولیدات خود و برنامه تولید خود پیش بینی دقیق تری بعمل آورد مطمئناً نتیجه بهتری نیز خواهد گرفت . لذا اگر عملیات پیش بینی فروش خود را (قبل از دریافت سفارشات واقعی) نیز اگر یک تولید کننده بتواند یک حالت تعاملی بخشیده و با ارتباط با فروشندگان جزء هر چه دقیق تر انجام دهد نتیجه حاصل بسیار بهتر خواهد بود
- 6- چنانچه مشتری O (و یا حتی یک شرکت تولید کننده در این زنجیره که خود مشتری برای تولید کننده بالا دستی محسوب میشود) سفارش خود را تغییر دهد و یا انصراف دهد و یا حجم آن را افزایش دهد چه اتفاقی می افتد؟ اگر دید فانتزی نگاه کنید این زنجیره بایستی شروع به جنب و جوش کرده و فضای خالی و یا اضافی خود را تنظیم نماید . چنین حرکتی مطمئناً با ارتباطهای غیر سیستماتیک و توسط افراد بسیار زمان بر و وقت گیر و مطمئناً پر از اشتباه خواهد بود
- 7- ...

لذا اگر شما بعنوان تولید کننده و یا خریدار (در این زنجیره) فعالیت می کنید مطمئناً ممکن است خواهان مواردی مثل موارد زیر باشید :

- کاهش سیکل و زمان عملیات برنامه ریزی و جلوگیری از خطاها در این سیکل
- کاهش موجودی انبار مصارف و تولیدات
- اتوماتیک نمودن رویه های خرید
- جلوگیری از اثرات کاهش تولید تامین کننده ای که برای شما قرار بود قطعه ای را تولید نماید ، بر روی تولیدات شما

راه حلی که برای این معضل و پاسخ به نیازهای اشاره شده ، ارائه گردیده همان مفهوم Collaborative Planning میباشد . فرض کنید از طریق اینترنت و یا شبکه های گسترده تمامی این سازمانهای تولید کننده و تامین کننده را بهم لینک کنید به نحوی که بتوانند با هم در ارتباط بوده و هر گونه تغییر در تولید و یا تامین را در این زنجیره انتشار داده و زنجیره بطور اتوماتیک نسبت به آن عکس العمل نشان دهد و اصلاحات لازم را در برنامه

مختصری در مورد مفهوم Collaborative Planning

ریزیهای تولید و یا تامین بعمل آورد. بحث اتوماتیک بودن این اتفاق و گسترش آن در تمامی نقاط در گیر و اصلاح برنامه تولید یا خرید هر یک از این نقاط از اصلی ترین مشخصه این سیستم خواهد بود. البته اتوماتیک بودن سیستم در برخی موارد در حد دادن یک Alarm به یک کارخانه یا تامین کننده عمل میکند و نهایتاً تصمیم گیری نهایی ممکن است توسط فرد مسئول از آن موسسه صورت پذیرد.

حاصل کار چه خواهد بود؟

نتیجه همان خواسته هایی است که یک سازمان دارد. بد قولی نکردن برای مشتری و انبار ننمودن اضافی و گردش اتوماتیک و مکانیزه عملیات تولید و صدور سفارش خرید برای تمامی اعضای حاضر در این زنجیره و نهایتاً کاهش بهای تمام شده تولیدات

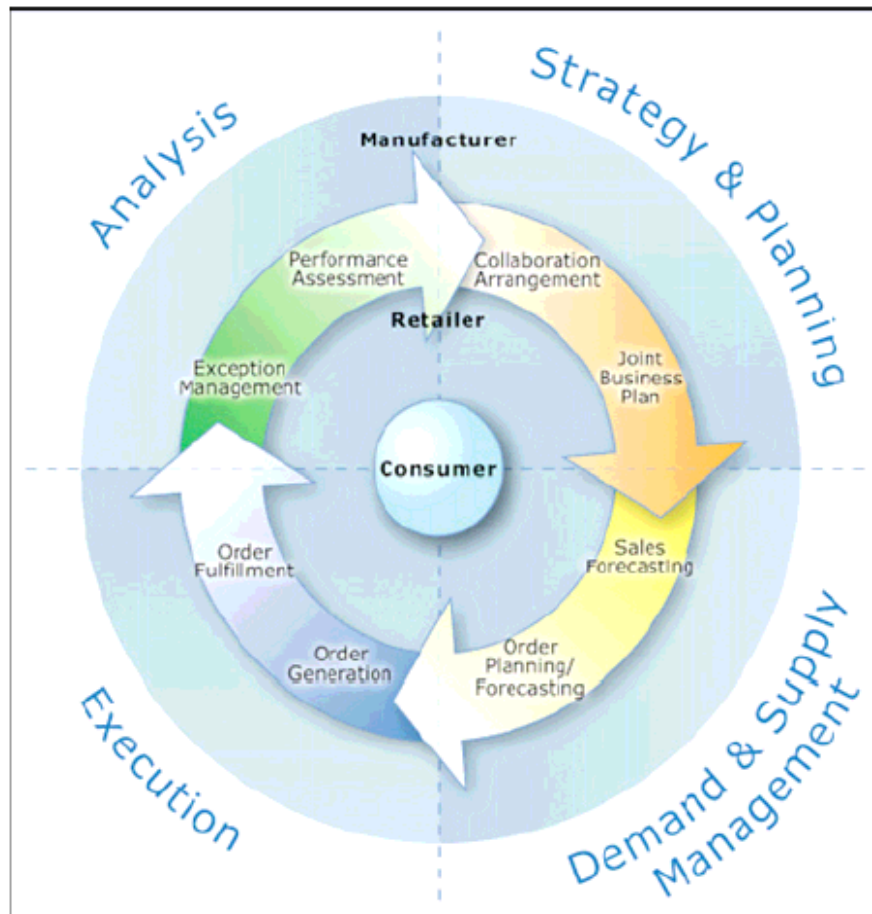
در یک راه حل خاصی از این رویه که توسط شرکت اوراگل ارائه گردیده حصول نتایج زیر ادعا شده است:

- تقویت در جهت کاهش سطح موجودی انبارها برای فروشنده و خریدار در حدود 10 تا 60 درصد
 - بهبود پیش بینی های صحیح در حدود 10 تا 30 درصد
 - افزایش فروش در حدود 5 تا 20 درصد
 - کاهش هزینه های لجستیکی حدود 3 تا 4 درصد
- موارد نامشهود دیگری هم که میتوان عنوان کرد عبارتند از:
- کاهش هزینه و زمان حمل محصول
 - کاهش از دست رفتن فرصتهای فروش محصول
 - بهبود ارتباط خریدار و فروشنده

در سال 2004 شرکت اوراگل نسبت به اعمال بهینه سازیهایی در این مدل نموده است که در شکل زیر مشخص است:

- مصرف کننده در مرکز حلقه است زیرا هدف رضایت مصرف کننده بوسیله در دسترس بودن محصول خوب و کاهش هزینه ها
- Collaboration یک فعالیت مداوم است
- اجرا و آنالیز اساس و پایه موفقیت است

مختصری در مورد مفهوم Collaborative Planning



تمام تلاش تکنولوژی فوق جهت حصول هرچه بیشتر به " رضایت مشتری و کاهش قیمت محصول " می باشد. بدیهی است سازمان استفاده کننده نیز منافی را خواهد داشت.